

ملت‌ی گروگان اندکی

درباره اندک‌سالاری حاکم بر شورای عالی فضای مجازی



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

لابد این شعر سهراب سپهری را شنیده‌اید: «من قطاری دیدم که سیاست می‌برد و چه خالی می‌رفت». در سال‌های اخیر بارها در شبکه‌های اجتماعی دیده‌ام که بسیاری از مردم نومیذ از سیاستمداران، این قطعه را به اشتراک گذاشته‌اند. برای ما دانشجویان علوم سیاسی، تماشای اینکه چنین نگرشی به سیاست وجود دارد، برخورنده است. هر چه باشد ما از ارسطو آموخته‌ایم که سیاست، ارباب علوم است. با کمی درنگ اما حق می‌دهم به دیگران که درباره سیاست چنین فکر کنند؛ به‌خصوص به مردمان کلافه از وعده‌های شیرین اولیه سیاستمداران که بعدوقتی زمان تحقق‌شان فرامی‌رسد، اغلب باید به تنوشت‌شان چنین نگریست: «هزار وعده خویان ای‌کی وفا نکند.» با این تفاسیر شاید بتوان موضع خوش‌بینانه‌تری از سهراب در پیش گرفت ونوشت، قطار سیاست بسیار سنگین و کند حرکت می‌کند. این یکی به شرایط سیاست‌ورزی در ایران‌مان هم بیشتر شباهت دارد. کافی است نگاه کنیم به نحوه تصمیم‌گیری در این مملکت، بگذارید چندمثال بزنم، شما یادتان می‌آید چند سال است کشور درگیر این است که بالاخره به FATF پیوندیم یا نه؟ تا جایی که حافظه من یاری می‌دهد لااقل یک دهه، گفتن‌اش به زبان ساده است اما در عمل، خدا می‌داند این‌تردیده‌ها تعویق‌ها چه پیامدهایی برای ایران در پی داشته، مثال دیگر، همین سخن چندروز پیش حسن روحانی که گفته، همه شرایط برای احیای برجام در بهار ۱۴۰۰ فراهم بوده اما به‌واسطه رقابت‌های سیاسی محقق نشده است. الان زمین چهار بار دور خورشید چرخیده و ماهنوز اندر خم یک کوچه‌ایم. شاید بگویید اینها تصمیم‌های بسیار کلانی هستند نیازمندتدقیق و تأمل. بسیار خوب، با این تصمیم‌بالاتکلیف‌مانده تعطیلی دوروز در هفته چه کنیم؟ این را چه می‌شود گفت؟ یا نمونه‌ای دیگر، برداشتن فیلتر از شبکه‌های اجتماعی را چگونه بایدسنجید؟

رفع فیلترینگ یکی از اصلی‌ترین وعده‌های پزنشکیان بود. چند ماه دیگر این وعده یکساله می‌شود. بااین همه با وجود نظر موافق رئیس‌جمهور و هیئت‌دولت، این گره کور هنوز در شورای عالی فضای مجازی باز نشده. شما خودتان را بگذارید جای همان مردمی که شعر سهراب را زیر لب زمزمه می‌کنند؛ به ایرانی، رئیس‌جمهور شده اما در شورایی ۲۸ عضو که ۱۰ نفر از آنها هم شخصیت‌های حقیقی هستند، باید درباره مسئله‌ای به این سادگی اجماع‌سازی کند که تلگرام، توئیتر و اینستاگرامی را که بسیاری از مسئولان همین کشور در آنها بافیلترینگن فعالیت‌دارند، رفع فیلتر بکنند یا نه؟ باور بفرمایید آمد با دیدن چنین وضعیتی باد همان جمله‌ای می‌افتد که قبصر به خان دایی می‌گفت: «اه خان دایی، تو آدمو مایوس می‌کنی». با چنین دست فرمانی تصمیم درباره همین مسئله هم شاید به عمر ما قد ندهدو همین مردم را عاصی کرده. فقط هم در عرصه رسانه و ارتباطات نیست. انواع و اقسام شورهایی که در کشور شکل گرفته.ولو با نیاتی خوب-اینک دست‌وپاگیر شده‌اند و نفس سیاست، فرهنگ و اقتصاد را پریده‌اند. نتیجه؛ نومیدی روزافزون ملت از امکان تدبیر امور وپهوپد شرایط. شاید بگویید این هم قسمتی از بازی سیاست دموکراتیک است. اصلاً یکی از نقدها به دموکراسی‌ها هم همین فرآیند زمان‌بر آنهاست و برای همین برخی از مخالفان دموکراسی می‌گویند این همه بحث و جدل سودی به حال جامعه ندارد. باید کسی باشد که تصمیم بگیرد و دستور بدهد. این نقد اما به وضعیت فعلی ما چندان وارد نیست. اگر اعضای این شورا،ها برای نمونه همین شورای عالی فضای مجازی، همه منتخبان مردم در انتخاباتی رقابتی بودند، آن وقت می‌شد این کندی را تا حدی توجیه کرد اما وقتی چنین نیست و نام بسیاری از این آقایان حتی برای پیگیران اخبار هم چندان آشنا نیست، باید گفت اینجا ما دچار همان وضعیتی شده‌ایم که در قصه‌ها شنیده‌ایم؛ هم چوب را می‌خوریم هم پیاز را، تازه پیول هم باید بدیم. جسد از این باور کیند اگر اعضای این شوراها نماینده مردم بودند، برای اینکه دور بعدی هم بتوانند از مردم رأی بگیرند، سرعتی بیشتر به تصمیم‌گیری خود می‌دادندو اهمیت بیشتری هم برای نظر اکثریت مردم قائل می‌شدند. وقتی چنین نباشد و قدرت داشته باشی اما نیازی به پاسخگویی احساس نکنی، می‌شود همین قطار سنگین سیاست فعلی که نیازهای ملت‌ی گروگان گروهی اندک می‌شودو حس سرخوردگی جامعه‌ا را فرامی‌گیرد. باسهراب شروع کردیم و باعجم واوغلو جیمز رابینسون به پایان ببریم که در «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟»، اصلی‌ترین شرط توسعه‌را گذار از همین اندک‌سالاری می‌دانند.

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

تلفن روابط عمومی: ۰۸۸۷۴۹۳۰۰، تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱، آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷، نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
لینوتوگرافی و چاپ: هم‌میهن. تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴، توزیع: نشر گستر امروز نوین ، تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



سینما جان می‌گیرد

صدور پروانه نمایش برای **رکسانا** و **پیرپسر** این امید را می‌دهد

که دیگر فیلم توقیفی نداشته باشیم



سوسن سیرجانی

خبرنگار گروه فرهنگ

روز گذشته روابط‌عمومی سازمان سینمایی اعلام کرد که فیلم «رکسانا» آخرین ساخته پرویز شهبازی بدون هیچ اصلاحیه‌ای، پروانه نمایش دریافت کرد. از ساخت این فیلم سه سال می‌گذرد و در سال‌های گذشته یکی از آثار جنجالی سینمای اجتماعی بوده. موضوع رفع توقیف فیلم‌ها، یکی از مسائل مهمی بود که از روزهای ابتدایی شروع به‌کار دولت چهاردهم از سوی اهالی فرهنگ و رسانه، همچنین مخاطبان سینما، از دولت جدید انتظار می‌رفت. سازمان سینمایی با تغییر اعضای شورای پروانه نمایش، همچنین صدور اجازه اکران فیلم «رکسانا» و «پیرپسر» در یک سانس در زمان جشنواره فجر، چراغ سبزی به این ماجرا نشان داد. اما از سوی دیگر حاشیه‌های «قاتل و وحشی» و اکران نشدن آن در جشنواره، موضوع آثار توقیفی را به‌شکل دیگری پیش برد. از ابتدای سال جدید خبرهای پراکنده درباره وضعیت اکران «پیرپسر» ساخته اکتای براهنی و حالا صدور پروانه نمایش «رکسانا»، دوباره موضوع آثار توقیفی و حل مشکل آنها در دولت چهاردهم را در مرکز توجه قرار داده است.

▼ دولت قبلی با ۵۰ فیلم توقیفی

اواخر تیرماه سال ۱۴۰۳ و پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، روح‌الله سهرابی مدیرکل وقت نظارت بر نمایش فیلم سازمان سینمایی در مصاحبه‌ای اعلام کرده بود که آثار زیادی دچار مشکلات پیچیده بودند که تلاش شده تا مشکل بیش از ۵۰ فیلم توقیفی برطرف شود. سهرابی در صحبت‌هایش از رفع مشکل فیلم‌هایی مثل «قاتل و وحشی» صحبت کرده بود که البته هنوز هم در بالاتکلیفی است. او در صحبت‌هایش به آثاری مثل «شیشلیک»، «کاناپه»، «رکسانا» یا «پیرپسر» اشاره‌ای نکرده بود، با وجود اینکه این فیلم‌ها هم در آن روزها مانند بسیاری از آثار، پشت درهای بسته ارشاد باقی مانده بودند. با شروع به‌کار دولت چهاردهم از اوایل مردادماه، بسیاری از اهالی فرهنگ منتظر ارائه گزینه‌ها برای ریاست سازمان سینمایی بودند. با انتصاب راند فریدزاده به این منصب و با توجه به شعارهای انتخاباتی که دولت چهاردهم درباره رفع مشکلات سینما داشت، بسیاری امیدوار بودند که مشکل فیلم‌های توقیفی برطرف شود.

در شهریورماه و تنها با گذشت مدتی کوتاه از شروع به‌کار دولت چهاردهم، شش فیلم رفع توقیف شدند که از میان آنها می‌توان به «سینما متروپل» به کارگردانی محمدعلی باشه‌انگرو «امپمانی از کارائیب» به کارگردانی بهزاد فراهانی اشاره کرد. با وجود اینکه این آثار، فیلم‌های بحث‌برانگیزی نبودند، اما بسیاری این رفع توقیف‌ها را شروع خوبی برای سازمان سینمایی متصور شدند که می‌تواند به ادامه کار و رفع توقیف آثار بیشتری منجر شود.

▼ ممیزی و کنار گذاشتن «رکسانا» از اسکار

پاییز ۱۴۰۳ فصل خوبی برای سینما مخصوصاً آثار توقیفی نبود. با وجود اینکه خبرهایی درباره اکران فیلم «رکسانا» آخرین ساخته پرویز شهبازی به گوش می‌رسید، در آبان‌ماه روابط عمومی این فیلم در بیانیه‌ای اعلام کرد: «با اصلاحاتی که اداره نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی به فیلم وارد دانسته، ۱۵ دقیقه از فیلم حذف شده و داستان دچار جرح و تعدیل بسیار می‌شود. درواقع با اعمال این ممیزی‌ها بخش‌های کلیدی از فیلم آسیب دیده و روند قصه مخدوش می‌شود، به همین دلیل کارگردان و تهیه‌کننده به اکران «رکسانا» رضایت ندادند. همچنین قرار بود «رکسانا» از ابتدای آبان‌ماه روی پرده سینماها برود که اصلاحات بسیار مانع از اکران این فیلم شد.» این خبر در حالی منتشر شد که تصور بر این بود که قرار است مشکلات این فیلم به‌همراه چند اثر دیگر برطرف شود. اما مدتی بعد از این خبر دو اتفاق عجیب برای فیلم «رکسانا» افتاد، اول اینکه با حضور آن در جشنواره فیلم فجر موافقت شد و دوم اینکه آن را از گزینه‌های پیشنهادی برای حضور در اسکار کنار گذاشتند. حضور «رکسانا» در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر در حالی که سه‌سال از ساخت آن می‌گذشت و

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
- مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجواد روح
- معاون سردبیر: مهرداد خدیر
- دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
- علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروف‌چینی و ویراستاری: شهرام هادی

تلفن روابط عمومی: ۰۸۸۷۴۹۳۰۰، تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱، آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷، نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸

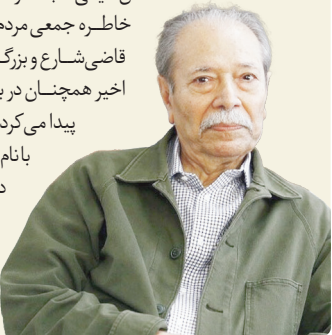
لینوتوگرافی و چاپ: هم‌میهن. تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴، توزیع: نشر گستر امروز نوین ، تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

چهره

خدا حافظی بزرگ آقا

روز گذشته انتشار ویدئویی از علی نصیریان بسیار مورد توجه قرار گرفت. نصیریان در جمله‌ای کوتاه اعلام کرد که دیگر نمی‌تواند بازی کند و به‌صورت ضمنی از بازیگری خدا حافظی کرد. او تنها بازمانده پنج نفر مشهور سینمای ایران است. بازیگری که کار حرفه‌ای را از اوایل دهه ۳۰ و زیر نظر عبدالحسین نوشین شروع کرد. تا سال‌ها بازیگری تئاتر، شغل اصلی علی نصیریان بود تا اینکه توسط داریوش مهر جونی در سال ۱۳۴۷ برای بازی در فیلم «گاو» دعوت شد. او طی این شش دهه، یکی از بازیگران پرکار و البته تاثیرگذار در سینما، تلویزیون و تئاتر ایران بود که آثار بسیار مهمی از خود به‌جا گذاشت.

نقش‌هایی مثبت و منفی که بسیاری از آنها در خاطره جمعی مردم باقی مانده؛ از آقای هالو تا قاضی شارع و بزرگ آقا. نصیریان در سال‌های اخیر همچنان در برخی آثار سینمایی حضور پیدا می‌کرد و یکی از آخرین فیلم‌هایش با نام «هفت بهار نارنج»، این روزها در سینماها اکران شده. اما به گفته خودش، دیگر در اثر نمایشی حضور پیدا نخواهد کرد.



کتابخانه

تصویری دقیق از ذوالنون مصری

کتاب «اختر تابناک در مناقب ذوالنون» یکی از آثار محیی‌الدین ابن عربی است که به کوشش فریدالدین رادمهر به فارسی برگردانده شده و در ۴۸۸ صفحه با قیمت ۴۸۵ هزار تومان توسط نشر نیلوفر منتشر شده است. در این کتاب صوفی نامداری به‌نام ابن عربی که درباره‌اش مناقب‌های متعدد نوشته‌اند، در وصف صوفی نامدار دیگری به‌نام ذوالنون مصری مناقب نوشته است. ابن عربی از میان صوفیان پیش از خود تنها و صرفاً برای ذوالنون مناقب نوشت. اما نه کتابی نظیر مناقب‌نویسی رایج در جهان اسلام. کتابی در شناخت افکار و عقاید ذوالنون به قلم ابن عربی، فصل نوینی در تحقیقات صوفیانه است، آن هم هفت قرن پیش از امروز. ذوالنونی که ابن عربی او را یک ادیب و عارف کامل می‌بیند و بر عرش می‌نشانده‌ش، سخنانی بر زبان رانده است که ابن عربی گاهی خود در فهم آن به حیرت افتاده است. ابن عربی با هنرمندی یک پیکرتراش، با ژرف‌اندیشی یک پژوهشگر دقیق‌النظر و با قلمی توانا، ذوالنون مصری را به تصویر می‌کشد.



اختر تابناک

در مناقب ذوالنون

نویسنده:

محیی‌الدین ابن عربی

مترجم:

فریدالدین رادمهر

انتشارات: نیلوفر

تاریخ

پیداشدن جنازه افشار طوسی



جنازه سرتیپ محمود افشار طوس، رئیس شهربانی کل کشور که از وفادارترین نظامیان به مصدق محسوب می‌شد و از اول اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۳۲، ناپدید شده بود، هفتم اردیبهشت‌ماه در شمال تهران کشف شد. دولت بلافاصله این خبر را منتشر کرد و برای اعلام خبری درباره وضعیت افشار طوس، جایزه‌ای ۵۰ هزار تومانی معین شد. با این همه رایندگان افشار طوس را به طرز فجیعی به قتل رساندند. افشار طوس در غائله آذربایجان لیاقت نشان داده و ترفیع گرفته بود اما بعدتر به‌دلیل انتقاداتی نسبت به عملکرد ارتش در انزوا قرار گرفت. در دوره نخست‌وزیری مصدق، او به ریاست شهربانی تهران رسید و در خشی کردن توطئه قتل مصدق در نهم اسفندماه ۱۳۳۱ نقش مهمی داشت. قتل او را باید یکی از نقشه‌های مخالفان مصدق برای زمین زدن دولت‌ش محسوب کرد. رخدادهای ماه‌های بعد نیز نشان داد تشخیصی کسانی چون مظفر بقایی، فضل‌الله اهدی، حسین خطیبی، نصرالله بایندر و... در نقش مهم افشار طوس در دولت مصدق درست بوده است. متهمان در دوره مصدق دستگیر شدند و قرار مجرمیت نیز برای آنان صادر شد اما با وقوع کودتا، کل این پرونده قتل نادیده گرفته شد.